



عکس: president.ir

رشد ۹۳ هزار واحدی شاخص کل در روز حضور معاون اول

زمستان داغ بورس؟

سیاست‌ها از الزامات اساسی است، اضافه کرد: «سرمایه و سرمایه‌گذار باید بتوانند بر اساس پیش‌بینی‌های روشن، تصمیم بگیرند که کجا و در چه حوزه‌ای سرمایه‌گذاری کنند و بازار سرمایه چه نقشی در این میان داشته باشد.» عارف سرمایه‌گذاری حکمرانی اقتصادی و تنظیم‌گری هوشمند در بازار سرمایه ادامه داد: «این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است. هرچند باید اذعان کرد که در این حوزه با موانع و چالش‌هایی نیز مواجه هستیم. تنظیم‌گری مطلوب، تنظیم‌گری‌ای است که در عین بر خور داری از اقتدار، مانع پویایی، کارآمدی و کاربردی بودن بازار نشود. در این راستا، تقویت استقلال حرفه‌ای سازمان ناظر، استفاده از داده‌های دقیق، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و حرکت به سمت نظارت مبتنی بر ریسک از الزامات جدی و اجتناب‌ناپذیر برای ارتقای کیفیت حکمرانی در بازار بورس است. نهاد ناظر بازار سرمایه باید بتواند به‌طور هم‌زمان از سلامت بازار صیانت کند و زمینه‌رشد و پویایی آن را نیز فراهم آورد. نکته‌ای که به‌صورت رسمی و غیررسمی نیز به آن اشاره شده، اهمیت سالم‌سازی همه بخش‌های بازار است، چراکه سلامت‌ساختاری، پیش‌شرط اعتمادو توسعه‌یابدار به‌شمار می‌رود.» معاون اول رئیس‌جمهور اظهار کرد: «در این میان، حمایت از سرمایه‌گذاران خرد و توسعه سرمایه‌گذاری غیر مستقیم یک مسئله حیاتی است که می‌تواند بستر رشد و نوآوری را فراهم کند. اگر برنامه‌ای منسجم برای جذب سرمایه‌های خرد مردم-سرمایه‌هایی که در بانک‌ها، منازل یا حتی به‌صورت راکد نگهداری می‌شوند- تدوین شود، برآوردها نشان می‌دهد که با ارقام قابل‌توجهی مواجه خواهیم بود. حتی در حوزه ارز نیز، گرایش مردم به نگهداری دارایی‌ها به‌منظور حفظ قدرت خرید قابل مشاهده است. پرسش اصلی این است که با چه سازوکارهایی می‌توان این منابع را به‌صورت مؤثر و ایمن به چرخه سرمایه‌گذاری مولد وارد کرد. به‌نظر می‌رسد حمایت از سرمایه‌گذاران خرد صرفاً وظیفه دولت نیست، بلکه یک مسئولیت حاکمیتی است. در حال حاضر، یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه، تغییرات مکرر قوانین، مقررات و سیاست‌هاست که اگر چه با هدف بهبود وضعیت انجام شده‌اند، اما در عمل به بی‌ثباتی و بلاکلیفی در بازار منجر شده‌اند. او با بیان اینکه پیوند میان بازار سرمایه و تولید، صنعت و اقتصاد واقعی موضوعی بسیار کلیدی است، افزود: «بازار سرمایه باید در اولویت‌های صنعتی و حمایت از تولید، به‌ویژه در شرایط کنونی که به تولید تأکید ویژه‌ای وجود دارد، نقش پیش‌تاز ایفا کند. جذب سرمایه به سمت بنگاه‌های مولد، صنایع پیش‌ساز و شرکت‌های دانش‌بنیان – که خوشبختانه کشور در این حوزه دستاوردهای ارزشمندی داشته – از ضرورت‌های اساسی است. مشکل اصلی بسیاری از این شرکت‌ها، کمبود سرمایه است که باید به‌طور جدی برای آن چاره‌اندیشی شود. همچنین، پروژه‌های ملی اولویت‌دار و حیاتی به دلیل نبود تأمین مالی مناسب، گاه برای سال‌ها ایالتی دهه‌ها متوقف می‌مانند و در نهایت، زمان بهره‌برداری آن‌ها به‌گونه‌ای فرامی‌رسد که توجیه اقتصادی خود را به کلی از دست داده‌اند؛ مسئله‌ای که متأسفانه در برخی بخش‌ها به‌وضوح قابل مشاهده است.» عارف با بیان اینکه ما باید به سمت افزایش بهره‌وری و ایجاد اشتغال پایدار حرکت کنیم، گفت: «ثبات سیاستی و مقرراتی مسئله‌ای حیاتی است. متأسفانه در بسیاری از بخش‌های توسعه کشور هنوز به این ثبات نرسیده‌ایم؛ با نوعی تورم در قوانین و تورم در تصمیم‌گیری مواجه هستیم که همین امر زمینه‌ساز فساد و کاهش شفافیت می‌شود. موضوع مهم بعدی، شفافیت، سلامت بازار و مقابله قاطع با تخلفات است. انتظار ما از دست‌اندرکاران و اعضای شورای رسیدگی به تخلفات این است که بر خوردی جدی و قاطع داشته باشند. راهبرد دولت،

گروه خبر: معاون اول رئیس‌جمهور، صبح دیروز در جلسه شورای معاونان سازمان بورس و آئین نواختن زنگ آغاز معاملات حاضر شد. علاوه بر محمدرضا عارف، سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر اقتصاد و حجت‌الله صیدی، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار نیز در این مراسم حضور داشتند. روز گذشته بر اساس داده‌های تابلوی معاملات، شاخص کل بورس تهران با رشد ۹۳ هزار و ۴۹۸ واحدی معادل ۲۴/۴۸ درصد، در سطح ۳ میلیون و ۸۶۰ هزار واحد ایستاد.

بازار سرمایه ستون تأمین مالی اقتصاد پایدار است

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه مهم‌ترین دغدغه برنامه توسعه پیش رو، تأمین منابع لازم برای اجرای احکام آن است، افزود: «باور داریم که پتانسیل لازم برای تأمین این منابع وجود دارد؛ مسئله اصلی این است که این پتانسیل چگونه باغفل نشود و به میدان عمل بیاید. منابع مورد نیاز کشور وجود دارد؛ در بخش‌های مختلف، در خانه‌ها، حتی به‌صورت راکد. همچنین منابعی وجود دارد که می‌تواند در خدمت برنامه‌های توسعه‌ای قرار گیرد و لازم است با سازوکاری منطقی و اصولی، از خارج از کشور نیز در اختیار ما قرار بگیرد.» معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به سرمایه‌های ارزشمند ایران‌بان خارج از کشور، تأکید کرد: «اگر بتوانیم سازوکارهای منطقی و اصولی برای جذب این سرمایه‌ها طراحی و اجرا کنیم، به‌نظر نمی‌رسد این کار، کار دشواری باشد.» عارف با تأکید بر اینکه بازار سرمایه جایگاهی ارزشمند در اقتصاد ملی کشورمان دارد، گفت: «بازار سرمایه آینده‌شفاف اعتماد عمومی به نظام اقتصادی کشور است. در مسیر اصلاح ساختارهای اقتصادی، ارتقای شفافیت و برنامه‌سازی اقتصاد، گام‌های بزرگی برداشته شده است و نقش بورس در صیانت از حقوق سرمایه‌گذاران، تعمیق بازار، هدایت نقدینگی به سمت تولید و رشد پایدار، بر جسته و محوری است.» معاون اول رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه دولت چهاردهم باور عمیقی به بازار سرمایه به خصوص در رشد اقتصادی، تأمین مالی تولید و کاهش فشار بر نظام بانکی دارد، تصریح کرد: «تورم غیراصولی و غیرمنطقی که با سیاست‌های دستوری و تکلیفی ایجاد شده است، نتیجه فشارهایی است که بر نظام بانکی وارد شده است.» عارف با تأکید بر اینکه هدایت شبکه بانکی به سمت بازار سرمایه، سبب رشد و مه‌ارم تورم خواهد شد، گفت: «دولت تأکید دارد بازار سرمایه ستون تأمین مالی پایدار و غیرتورمی در اقتصاد ملی است و امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند این سرمایه هستیم. برای تولید، پروژه‌های ملی و زیرساخت‌های اقتصادی می‌توانیم شبکه بانکی را به سمت بازار سرمایه هدایت کنیم و اگر این انتقال را با توجه به جایگاه دو نهاد پولی و سرمایه‌ای انجام دهیم، اقدام بسیار درستی برای رشد، جذب سرمایه و مه‌ارم تورم خواهد بود.»

اعتماد عمومی سرمایه راهبردی بازار سرمایه است

معاون اول رئیس‌جمهور بیان کرد: «اعتماد عمومی یک سرمایه راهبردی و غیر قابل جایگزین در بازار سرمایه است که باید سازوکار جدی برای جلب اعتماد عمومی ایجاد کنیم. مردم هر جا لازم باشد، حاضر می‌شوند و به‌رغم زحمات نیروهای مسلح در جنگ تحمیل ۱۲ روزه، دیدید مردم با حضور، نشاط و انگیزه خود کلامسیر جنگ را تغییر دادند.» عارف با تأکید بر اینکه راهبرد دولت در اقتصاد، دستیابی به پایداری و ثبات است، اظهار داشت که دولت پذیرای نقدها است اما این انتظار وجود دارد که نقدهای نخبگان همراه با راهکار باشد. او با بیان اینکه شفافیت اطلاعات، عدالت در دسترسی به داده‌ها و پیش‌بینی‌پذیری

مقامات و چهره‌های سیاسی تسلیت گفتند

درگذشت اشرف بروجرودی

بیت مرحوم آیت‌الله‌الشیخ علی محمد نجفی بروجرودی برگزار می‌شود.
مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در پیام تسلیت خود، بروجرودی را فعال عرصه سیاسی و اجتماعی و از مدیران اثرگذار فرهنگی کشور خواند و نوشت: «این بانوی فرهیخته که بر خاسته از خانواده‌ای ریشه‌دار در علم و دین بود، در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اجرایی و سیاسی حضوری مسئولانه داشت و به عنوان نخستین زن رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، نقشی م‌ثر در صیانت از میراث مکتوب کشور ایفا کرد و نام‌نیکي از خود بر جا گذاشت.»
محمدباقر قالیباف، رئیس‌مجلس هم در پیامی خطاب به به علاءالدین بروجرودی، درگذشت خواهر این نماینده مجلس را تسلیت گفت.
سیدمحمد خاتمی، رئیس‌دولت اصلاحات در دو پیام جداگانه خطاب به

گروه خبر: جمعی از مقامات و چهره‌های سیاسی در پی درگذشت اشرف بروجرودی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب پیام تسلیت صادر کردند. بروجرودی از اعضای جبهه مشارکت و سپس حزب اتحاد ملت بود که دولت‌های یازدهم و دوازدهم به عنوان رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و در دولت دوم اصلاحات، به عنوان معاون وزیر کشور خدمت کرد. مراسم تشییع و تدفین بروجرودی، امروز ساعت ۱۰ صبح در حرم حضرت عبدالعظیم(ع) انجام خواهد شد. مراسم ختم تهران روز دوشنبه از ساعت ۱۹ تا ۲۰:۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب، مراسم ختم در حسینیه اعظم لا روز سه‌شنبه از ساعت ۱۰ تا ۱۱:۳۰، مراسم ختم قم، پنجشنبه بعد از نماز مغرب و عشاء در مسجد امیرالمومنین واقع در دورشهر، میدان رسالت و مراسم ختم بروجرود، جمعه از ساعت ۱۰ تا ۱۱:۳۰ در

می‌داد و از این حیث هم آقای منتظری با او روابط عاطفی نزدیک داشت و آن قتل چه با انگیزه سیاسی و چه غیر آن بر او بسیار اندوهناک افتاد. اگر چه مصیبت‌هایی چون شهادت فرزندان (محمد) در اقلعه هفتم‌تیر ۱۳۶۰ و نوه خود در جبهه‌های جنگ را نیز از سر گذرانده بود. نقش منتظری در تاریخ انقلاب و همراهی نام او با طالقانی را در اهمیت خبر آزادی این دوازده زندان در هشتم آبان ۱۳۵۷ هم می‌توان دریافت. خبر آزادی این دوازده زندان در هشتم آبان ۱۳۵۷ هم می‌توان دریافت. منتشر کردند و اگر در تصاویر کنار هم دیده نمی‌شوند به خاطر آن است که طالقانی در زندان قصر بود و منتظری در اوین اگر چه در اوایل بازداشت مدت کوتاهی در سال ۵۴ در اوین با هم بودند؛ محبوس بودندی که به تلاش رژیم شاه برای بازسازی اعتبار خود به لطف درآمدهای سرشار نفتی که چهره ایران را تغییر داده بود آسیب جدی می‌رساند و عاقبت هم گریبان شاه را گرفت و وقتی به فکر آزادی آن دو افتاد که دیر شده بود و خبر آن ۹ آبان ۵۷ منتشر شد. از سال ۱۳۴۶ که رضا پهلوی به عنوان ولیعهد معرفی شد همه‌ساله ۹ آبان جشن گرفته می‌شد اما ۹ آبان ۱۳۵۷ دیگر خبری از جشن نبود و تصاویر طالقانی و منتظری بر صفحه اول روزنامه‌های از سانسور رسته در پی اعتصاب کوتاه مه‌رام نقش بسته بود.

دکتر هوشنگ نهاوندی رئیس دفتر فرح و از نزدیکان شاه که به تازگی درگذشت در کتاب «آخرین روزها» که به زبان فرانسه و در خارج از کشور نوشته آورده است: «ملکه مادر دو بار در سل شخصیت‌های مختلف را می‌پذیرفت. در میهمانی‌ای که نام آن را جشن نوزایی پهلوی ها گذاشته بود: یکی ۲۰ اوت (سالگرد ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) و دیگری ۳۱ اکتبر (۹ آبان- تولد ولیعهد) و ساعت ۸ شب ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ هم آن جشن برپا شد و ساعت ۱۱ شب در حالی آتش‌بازی سنتی برپا شد که هم‌زمان خبر آتش‌سوزی سینما رکن هم رسیده بود و در آبدان گفته شد وقتی شهر یکبار چه عزادار شده بود در برابر سرگرم رقص و آتش‌بازی بودند.»

۹ آبان ۱۳۵۷ اما دیگر خبری از جشن دوم نوزایی پهلوی هانلود چندان که ۵ روز قبل از آن تمام مراسم ۴ آبان - تولد خود شاه- هم لغو شده بود و به کیکی که شبانگاهان در جمع خصوصی آوردند هم لب‌نزد و تنها به شمع‌هایی با عدد ۵۹ خیره مانده بود.

۹ آبان ۵۷ روزنامه‌ها از آزادی طالقانی و منتظری نوشتند که پیشتر سپهبد ناصر مقدم رئیس ساواک به همین مناسبت از شاه خواسته بود. با این که شخص رئیس ساواک از شخص شاه خواسته بود طالقانی و منتظری آزاد شوند تا فضای جامعه آرام شود و جایگاه او را نشان می‌دهد هوشنگ نهاوندی در همان کتاب دروغ شاخ‌داری نوشته که مرغ پخته را هم به خنده وامی‌دارد و نقل آن به سبب آن است که بدانییم تا چه حد از واقعیت‌های جامعه دور بودند و تازه او یک چهره دانش‌گامی و آکادمیک بود: «ملای بی‌اهمیت دیگر شیخ حسین علی منتظری بود که بعدها خود را آیت‌الله العظمی خواند و ظاهر آنف دوم پس از خمینی بود. او از محمدعلی قلیبی مقلد کار ثروت‌مند و دایی شهیدشو که برای ملکه حکم پدر را داشت بر تابلو‌هایی به عنوان یازی به گذران زندگی دریافت می‌کرد و رسم همه خانواده‌های ثروت‌مند بود که به معیشت آبنانی یازی بگفت‌روسانند. قلیبی می‌گفت شیخ مستعزلی مرد بانمکی بود و وقتی از من خواست به او کمک کنم تا به پاریس نزد خمینی برود شگفت‌زده شدم. به او گفتند آدم بی‌اهمیتی است ولی از چهره‌های شناخته‌شده مخالفان در قم است و دوسه باری هم پلیس او را دستگیر و آزاد کرده و قلیبی از این موضوع بی‌خبر بود. ولی او را یاری کرد تا گذرانم دریافت کند و بلیت هواپیما هم برای او خرید».

این جملات را عیناً از صفحه ۲۸۹ متن فارسی به ترجمه بهروز صوراسرافیل و مریم سیحون (شرکت کتاب در لوس آنجلس) نقل کردم تا از تعدد دروغ‌ها و بی‌اطلاعی‌های تاریخی آن به شگفت‌آیم و نیندازیم تنها کیهان است که منتظری را از آیت‌الله العظمی و فقیه عالیقدر به «شیخ ساده‌لوح» فروکاست یا کارگردان «معمای شاه» که نقش او را در سرپال ضعیف خود نادیده انگاشت بلکه هوشنگ نهاوندی بر این حق تقدم دارد! هم او که ادعای می‌کند آقای منتظری نفر دوم پس از آیت‌الله خمینی بوده اما بی‌اهمیت بوده و درحالی‌که بسیاری دیگر هم روانه پاریس شدند و از جمله روحانی مبارز دیگر - حسن لاهوتی آشکوری- که تا آزاد شد به پاریس رفت و با امام برگشت و چرا آقای منتظری که تجار بزرگ اسفهان و تهران به او ارتباط داشتند باید برای بلیت تهران - پاریس از دایی فرح‌پول بخواهد؟ آن دوسه بار بازداشت ادعایی به دست پلیس هم احتمالاً ناظر به زندان‌ها و شکنجه‌های پیاپی است درحالی‌که تنها در فقره آخر سه سال زندان را پشت سر گذاشته بود.

داستان زندگی سیاسی آیت‌الله منتظری و وجوه‌متنوعی دارد و در یک یادداشت کوتاه نمی‌تجد و تقسیم آن به سه دوره و مخنت، قدر و قدرت و سرانجام عزل و عزلت به این معنی نیست که در سال‌های رنج و شکنج نوبید شد با وقتی قدر و قدرت به او روی آورد در زیست از تغییریری حاصل شد یا عزل از قائم مقامی رهبری را به وادی خصومت با نظام گشاند چندان که برای جانشین امام خمینی پیام تبریک فرستاد. او ابایی از تجدیدنظر در برخی دیدگاه‌ها نداشت چندان که در ابتدا از اشغال سفارت آمریکا در تهران حمایت کرد و به دیدار دانشجویان شافت و در سال‌های بعد استمرار گروگان‌گیری را خطا دانست. در آغاز از ادامه جنگ در خاک عراق حمایت می‌کرد و اواخر در پایان آن نقشی نداشت به گونه‌ای که هاشمی رفسنجانی جانشین فرمانده کل قوا در اولین کنفرانس خبری بعد از قبول قطعنامه ۵۹۸ دو بار از آیت‌الله منتظری نام برد؛ احتمالاً برای قانع کردن رزمندگان و بخش غالب آنان که اسفلهانی و نجف‌آبادی بودند و علاقه‌مند به آقای منتظری. مهم‌تر از همه درباره نظریه‌ای بود که خود نقش وافر می‌کرد برای فرار دادن و تثبیت آن در قانون اساسی داشت. با این همه هیچ‌گاه از درون مناسبات فقهی خارج نشد و واکنش او به نظریه «رؤیای رسولانه» دکتر سروش و توضیح یابانی درباره «وحی» از ذهن چالاک و آماده در سال‌های پایانی عمر و تسلط نوشتاری به‌رغم سادگی‌های گفتاری حکایت می‌کند خاصه تفسیری که بر پایه آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» در باره حقوق بشر ارائه داد.

سعدی شیرازی در قصیده‌ای که حسب ظاهر مدح و به واقع نصیحت مردمان و یادآوری ناپایداری جهان است چنین سروده: دو چیز حاصل عمر است، نام نیک و ثواب وزین دو در گذری کل من علیها فان سری آخرت آباد کن به حسن عمل که اعتماد بقارانشاید این بنیان پس اعتماد مکن بر دوام دولت و عمر که دولتی دگر در پی است چو دوان

منتقدان سیاسی آیت‌الله منتظری هم اذعان دارند که او به آن سوی در بیشتر چشم داشت تا آن که دل در این سرای بسته باشد...

اما سخنرانی آیت‌الله در ۲۲ بهمن ۱۳۶۷ و توصیه به عنرضواهی به خاطر برخی سیاست‌ها و استمرار جنگ در شرایط دشوار بعد از قبول قطعنامه ۵۹۸ امام خمینی را برای تصمیمی که قبلاً مایل نبود قانع کرد و سبب شد گروه‌ها یا افرادی که خواستار کنار گذاشتن آقای منتظری در حیات امام و تغییر شرایط رهبری خصوصاً حذف قید مرجعیت بودند دست بالا را پیدا کنند و آن روند به عزل یا واداشتن یا تصمیم شخصی به استعفا انجامید و پس از آن دوران عزلت آغاز شد. این دوره سوم طبعاً تا روز درگذشت ادامه یافت؛ و دراپسین روزهای پاییز ۱۳۸۸ و در گرم‌اکرم اعتراضات پس از انتخابات ریاست‌جمهوری در خرداد همان سال. از این ۲۰ سال یابانی عمر که بر آن عنوان عزل و عزلت نهاده‌ایم (۸ فروردین ۱۳۶۸ تا ۲۹ آذر ۱۳۸۸ خورشیدی) البته ۵ سال دو‌ماهه آن در عین حاشیه‌نشینیی بیشتر پرتنگ‌تر است و آن «حصاری است در دل همین دوره که از سخنرانی ۱۳ رجب در سال ۱۳۷۶ (۲۳ آبان) شروع می‌شود و قبل از پایان ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی به پایان می‌رسد. آیت‌الله منتظری متولد ۱۳۰۱ خورشیدی بود و همچون امام خمینی، دکتر مصدق و مهندس بازرگان در ۸۷ سالگی چشم از جهان بست و اگر چه زندگی سیاسی او با هر یک از آن سه شباهت‌هایی داشت اما در تاریخ انقلاب اسلامی نام منتظری بیش از هر کس با طالقانی قرین و هم‌نشین است؛ چندان که هر دو شامگاه هشتم آبان ۱۳۵۷ از زندان آزاد شدند و سه ماه بعد که روحانیون در اعتراض به تصمیم اولیه دولت بختیار در جلوگیری از بازگشت امام خمینی به میهن در مسجد دانشگاه تهران تحصن کردند، خبرنگاران داخلی و خارجی سراغ آن دورا می‌گرفتند و شیخ احمد خنتی سخن‌گوی متخصنین اعلام کرد: «آن دو بزرگوار هم به جمع ما خواهند پیوست.» بر همین اساس تصور اولیه این بود که منتظری نیز همچون طالقانی عضو شورای انقلاب است اما جدای صیغه سیاسی، وجهه فقهی در اندازه مرجعیت داشت و به همین خاطر نام او در فهرست پیشنهادی مرتضی مطهری نبود و این نه‌ از نادیده‌انگاری که در مقام احترام و هم‌طرز مراجع دانستن بود اگر چه ترجیح خود او در سال‌های قبل تبلیغ برای مرجعیت آیت‌الله خمینی بود و خود چنین داعیه‌ای نداشت ولی در شهرپور ۱۳۵۸ که جانشین آیت‌الله طالقانی و امام جمعه تهران شد روزنامه‌ها او با عنوان آیت‌الله العظمی یاد کردند؛ عنوانی که تنها برای مراجع به کار می‌رود. در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی - نام غیر رسمی مجلس بررسی پیش‌نویس قانون اساسی که جای‌گزین مجلس مؤسسان شده بود- باز نام منتظری و طالقانی کنار هم قرار داشت و هر دو شاخص‌ترین نامزدهای آن انتخابات در تابستان ۱۳۵۸ بودند و البته در نتیجه آرا سهم طالقانی بیش از منتظری بود چون از جانب گروه‌های سیاسی دیگر رقابت می‌شد. جایگاه و مرتبت فقهی و سابقه مبارزاتی منتظری چنان بود که در انتخاب او به ریاست آن مجلس تردید و رقابتی درنگرفت ولو طالقانی و بهشتی و شماری از روحانیون شاخص دیگر همچون آیت‌الله مکارم و موسوی اردبیلی و صدوقی و دستغیب یا چهره‌های ملی و غیرروحانی مانند بنی صدر و عزت‌الله سجایی هم در آن حاضر بودند. آیت‌الله منتظری از عملاً ریاست مجلس خبرگان قانون اساسی را به دکت بهشتی سپرد و خود کنار نشست اگر چه در تصویب اصل ولایت فقیه نقش محوری یا حمایتی داشت و در این فقره طالقانی با او هم‌نظر نبود یا هم‌زبانی ننشیدیم. ایده‌آل طالقانی یک نظام شورایی بود و اگر چه بعد از درگذشت او اصل شورا را در قانون اساسی لحاظ کردند اما آنچه اکنون به عنوان شوراهای شهر و روستا می‌شناسیم با مدل طالقانی فرسنگ‌ها فاصله دارد. طالقانی البته به شکل علنی با طر بحث ولایت فقیه مخالف نکرد و تنها سندی که در این زمینه در دست است شماره فوق‌العاده روزنامه اطلاعات در فردای درگذشت اوست که در ۴ صفحه منتشر شد و در یک چهارم صفحه آخر در گزارش اسماعیل جمشیدی خبرنگار پارلمانی آمده که در باره کلیات این اصل رأی‌گیری در جلسه غروب رأی‌گیری شده و او رأی کبود به گلدان انداخته و وقتی خبرنگار از او پرسیده آیا رأی مخالف دادید به طه‌مغه گفته: مگر شما قبول آید؟! کتاب مذاکرات آن مجلس البته نشان می‌دهد رأی‌گیری درباره اصل ۵ قانون اساسی بعد از درگذشت طالقانی صورت پذیرفته و در پی دوروز تعطیل رسمی به خاطر مراسم تشییع که به دلیل انبوهی جمعیت، تدفین در روز دوم انجام شد. با این وصف یا آن رأی‌گیری غیررسمی و استمرج‌اجی بوده یا درباره موضوعی دیگر. آیت‌الله منتظری در جلسه تهران جانشین طالقانی شد و به دفاع از اصل ولایت فقیه پرداخت و آنچه در خطبه‌ها گفته و بعدتر نوشته (یا به دست شاگردان او از دروس حوزوی جمع‌آوری و در قالب کتابی منتشر شد) گواه آن است که باور او فراتر از این ادعاست که از حسن آیت همشهری حقوق‌دان خود تأثیر پذیرفته است.

از نکات قابل توجه این که روزنامه کیهان کتاب تقریرات آقای منتظری در باره ولایت فقیه را با قید عنوان «آیت‌الله العظمی» برای او در سستونی به صورت پاورقی منتشر می‌کرد که بعد از عزل یا استعفا در فروردین ۱۳۶۸ ادامه نیافت و در عنوان‌ها «عظمی» هم از او سلب شد درحالی‌که عنوانی فقهی و حوزوی است و ارتباطی با منصب سیاسی ندارد و احتمالاً به خاطر بار احترام‌آمیز آن امکان ادامه در رسانه‌های رسمی نبوده است. این بخش اگر چه مناسب فصل «عزل و عزلت» زندگی اوست ولی نقل آن به این سبب است که در اواخر عمر از ولایت فقیه به نظارت فقیه رسیده بود و از این حیث احتمالاً به دیدگاه‌های طالقانی در سال ۵۸ نزدیک شده بود. وجه دیگر هم این که طالقانی دوست و هم‌نشین بازرگان و سجایی و چهره‌های ملی - مذهبی بود و منتظری کمتر با آنان نشست و برخاست داشت ولی از نیمه دوم سال ۶۰ او هم پذیرای آنان بود و قابل توجه‌ترین رخداد در این باره و بازه زمانی واکنش آیت‌الله به قتل دکتر سامی و کاتظم سامی وزیر بهداری دولت موقت و نامزد اولین انتخابات ریاست‌جمهوری در اول آذر ۱۳۶۷ است.

درحالی‌که سیدعلی اکبر محتشمی‌پور وزیر کشور، قتل را غیرسیاسی توصیف و انگیزه قاتل را انتقام شخصی به خاطر اخراج از جمعیت هلال احمر (شیر و خورشید سابق) در دوران مسئولیت دکتر سامی و بیماری روحی او معرفی کرده و گفته بود قاتل پیدا و معلوم شده به اهواز رفته و در محام عمومی خود را حلق‌آویز کرده آیت‌الله منتظری در پیام خود از دکتر سامی به عنوان «شهید» یاد کرد. جایگاه او به عنوان قائم مقام رهبری و جانشین رهبر انقلاب در آینده مجال اعتراض و تکذیب را از وزیر کشور و دیگر دستگاه‌های مسئول سلب کرد و روزنامه اطلاعات هم این تعبیر را به کار برد و ضریب داد. کاتظم سامی کرمانی دبیرکل جنبش انقلابی مردم ایران (جاما) در اوین هم‌بند آقای منتظری بود و چون به خاطر شکنجه‌های جسمی و روحی به بیماری‌های عصبی مبتلا شده بود در مداوای آیت‌الله در آن شرایط سخت نهایت مساعدت را به خرج